

اشاره

انبوه تجارب و نیز پژوهش‌های کمی و کیفی در ایران و جهان، نشان می‌دهد که آموزه‌های دوران کودکی، ماندگار و تعیین‌کننده سرنوشت جامعه فردای ماست. از همین‌رو معصومین(ع) فرموده‌اند که «تأثیر یادگیری علم و دانش در کودکی، همچون نقشی بر سنگ ماندگار است». کم‌توجهی به این مسئله مهم، خسارت‌زا و مسئولیت‌آور و یادآوری آن به پدران و مادران، معلمان و مربیان و همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کودکان امری است حیاتی. در این نوشته کوتاه به برخی از ابعاد این موضوع می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، نظم، آداب اخلاقی و اجتماعی، مشارکت جمعی

با وجود توصیه‌ها، تأکیدات و تعالیم فراوان اخلاقی و اجتماعی در منابع دینی و فرهنگی، کم‌توجهی و ضعف در رفتار برخی بزرگسالان در زمینه‌هایی چون، آداب اخلاقی و اجتماعی، نظم، پایبندی به عهد و امانت‌داری، رعایت حقوق دیگران، مصرف به اندازه و بجا از منابع، حفظ محیط‌زیست، مسئولیت‌پذیری و مشارکت جمعی، وجدان‌کاری و... در بعضی جهات بیشتر از حد انتظار است؛ به طوری که دو طیف مختلف دلسوزان و بهانه‌جویان گاهی به صورتی افراطی، رفتار ما را با برخی جوامع جهانی می‌سنجند و حتی اصالت و تأثیرگذاری تعالیم و عقایدمان را نیز به چالش می‌کشند!

۱. برای تحقق این اهداف، به آموزه‌ها و انتقال صرف اطلاعات نپردازیم؛ این حداقل نیاز است.
۲. اصل، بایستنی‌ها و رفتارهاست مثل مدیریت و کنترل خشم و رفتارهای اجتماعی مانند نظم است.
۳. مربیان به‌عنوان سطوح اولیه در تولید محتوا، براساس این اهداف محتوا تولید کنند.

فرصت‌های طلایی

تحقیقات و مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که دوران کودکی، به‌خصوص تا پنج‌سالگی، مهم‌ترین دوران زندگی انسان است و آموزه‌های این دوران نقشی اساسی، ماندگار و تعیین‌کننده در سرنوشت او دارد.

به اعتقاد «بلوم» ۵۰ درصد شخصیت کودک از تولد تا چهار سالگی شکل می‌گیرد.

معصومین(ع) هم فرموده‌اند که تأثیر یادگیری و آموزه‌های دوران کودکی همچون نقش بر سنگ ماندگار است. بنابراین، توجه جدی به آموزش دوران کودکی بسیار ضروری است. این ایام فرصت‌هایی طلایی در زندگی انسان به‌شمار می‌روند.

در این میان، سؤال اساسی و مهم این است که به کودکان چه بیاموزیم و چه نیاموزیم که در سرنوشت آینده آن‌ها و جامعه مفید افتد. آیا هر نوع آموزشی در دوران کودکی در آینده بچه‌ها مفید است؟ قطعاً پاسخ این سؤال منفی است.

متخصصان و کارشناسان معتقدند که صرف انتقال اطلاعات و دانش به کودکان در زندگی آینده کودک مفید نخواهد بود. در آموزش کودک، باید به همه ابعاد وجودی او توجه شود. ما نمی‌خواهیم تنها بار اطلاعاتی کودک را افزایش دهیم و حافظه او را قوی کنیم. دست کودک، چشم، گوش و احساس کودک نیز باید تقویت شود. کودک باید هنر خوب بازی کردن، خوب شنیدن، خوب درک و



فردا دیر است!

نصرالله دادار

مرتضی طاهری، مسئول گروه پیش‌دبستانی
کتاب درسی دفتر تألیف

احساس کردن، محبت کردن، خوب دیدن، خوب صحبت کردن و... را نیز بیاموزد.

متأسفانه در سال‌های اخیر تمرکز و توجه به انتقال دانش به کودکان، آن هم به‌نوع افراطی، در خانواده‌ها و کودکان‌ها و حتی مدارس ابتدایی موجب تربیت کودکانی شده است که بعضی از آن‌ها از نظر مهارت‌های اساسی زندگی ضعیف‌اند. بنابراین، ضروری است در آموزش کودکان برنامه‌های همه‌جانبه و متناسب با همه ابعاد وجودی آن‌ها طراحی کنیم.

برای آموزش زبان، حساب، علوم و... و آموزش‌های دیگری که در حوزه انتقال دانش‌اند، دیر نیست و در دوره‌های تحصیلی بعدی می‌توان کمبودهای آن‌ها را جبران کرده و در عوض، کودکان باید به حد کافی بازی، شادی و ابراز وجود کنند.

در آموزش کودکان، آموزش مهارت‌های زندگی مانند نظم، تحرک و بازی، پویایی، محبت ورزیدن، دوست داشتن، کار کردن، کمک به خانواده، مدیریت خود، کنترل خشم، رعایت حرمت دیگران، مهربانی، اعتمادبه‌نفس، دقت، ارتباط درست برقرار کردن، صداقت و راست‌گویی، حفاظت از محیط‌زیست، درست مصرف کردن و... باید مورد توجه قرار گیرد. این‌ها همه در سایه حضور کودکان در فضاهای متناسب با این موضوعات، تحرک و تلاش و عمل ممکن است که با حضور صرف در کلاس‌های درسته و پشت میز و نیمکت میسر نمی‌شود.